

باسمه تعالی



حقوق بازرگانی بین المللی استاد دکائیان

* تعریف حقوق: مجموعه تکالیف و امتیازهای شرعی یا قانونی برای اشخاص.

*** نظام های حقوقی دنیا:**

۱. نظام حقوقی کامن لو (common law): کامن لو به معنای حقوق عرفی است، قاضی در این نظام حقوقی به هنگام مطرح شدن دعوی جدید و در مواردی که طرفین در ماهیت دعوی اختلاف دارند به جای استفاده از مواد قانونی و اصول کلی حقوقی به مقایسه عناصر دعوی مطرح شده با دعوی های رسیدگی شده قبلی و آرای که دادگاه ها پیشتر در مورد آن صادر کرده اند، می پردازد و در صورت شباهت بین عناصر دو دعوی حکم مشابه صادر می نماید. در غیر این صورت اگر قاضی تشخیص دهد که دعوی اخیر اساساً با دعوی سابق متفاوت است از آن قاعده عدول کرده و رأی جدید صادر می کند و چه بسا این رأی سابقه جدیدی ایجاد نماید.

کامن لا اساس و پایه حقوق انگلستان است و به جهت مشترک بودن این نظام برای همه بخش های انگلستان و ولز آن را از نظام های حقوقی کنونی جهان که اکثراً کشورهای انگلیسی زبان می باشند از نظام حقوقی این کامن لا می نامند. حدود کشور الگوبرداری کرده اند. دیگر کشورهایی که تابع این نظام هستند عبارتند از: ایالات متحده آمریکا، مالزی، سنگاپور، بنگلادش، پاکستان، سری لانکا، هند، کامرون، کانادا، ایرلند، نیوزلند، آفریقای جنوبی، زیمبابوه، هنگ کنگ و استرالیا.

منظور از رویه قضائی در معنی مطلق مجموع آراء دادگاه ها و در معنی خاص روش یکسان دادگاه ها یا دسته ای از آنها در مورد مسئله حقوقی معین و تکرار آن به صورتی می باشد که بتوان گفت در صورت مواجه شدن با مورد مشابه همان روش اتخاذ می شود؛ به عبارتی رویه قضایی را می توان عرف دادگاه نامید.

مثال: چگونگی تعیین نخست وزیر در انگلستان بر اساس عرف و عادت بوده و هیچ قانونی در خصوص نحوه انتخاب نخست وزیر وجود ندارد اما بر اساس عرف و عادت و رسوم، رهبر هر حزبی که بیشترین آرا را در مجلس عوام کسب کند به عنوان نخست وزیر انتخاب می شود.

۲. نظام حقوقی رومی - ژرمنی یا حقوق نوشته

این نظام حقوقی در درجه اول بر پایه حقوق روم شکل گرفته و مهمترین ویژگی آن نقش عمده قانون و تدوین مجموعه قوانین است که منبع اصلی آن به شمار می روند، به همین جهت به حقوق مدون و حقوق نوشته نیز شهرت دارد.

حقوق رومی-ژرمنی در بسیاری از موارد بر اثر استعمار اروپا به بسیاری از کشورهای جهان وارد شده و علاوه بر آن بسیاری از کشورهای دیگر هم به پذیرش ارادی آن اقدام کرده اند. در نتیجه سرزمین های گسترده ای امروزه بر پایه این نظام حقوقی اداره می شوند. (نظیر فرانسه و ایران)

۳. نظام حقوقی اسلامی:

منابع حقوق در اسلام عبارت اند از: کتاب(قرآن)، سنت(گفتار و کردار روش معصومین علیهم السلام)، عقل، اجماع(اتفاق کلمه فقها در مسئله ای یا امری)

مطابق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

*** طبقه بندی قوانین :**

۱. **قانون اساسی:** قانون اساسی تعریف کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه، و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور، و تعیین و تضمین کننده حقوق شهروندان کشور است. هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. به عبارت دیگر، قانون اساسی قانون تعیین کننده نظام حاکم است، قانونی که مشخص می کند قدرت در کجا متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای حاکمه اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه چه اختیارات و مسئولیت هایی در برابر ملت دارند. قانون اساسی توسط هیئت مخصوصی تالیف می شود.

۲. **قانون عادی:** به قوانینی گفته می شود که در نتیجه ارائه طرح یا لایحه توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و در شورای نگهبان تایید می شوند، نظیر قانون مدنی، قانون صدور چک، قانون جرم سیاسی و...

۳. **آیین نامه، تصویب نامه، بخش نامه:** با این که صلاحیت مجلس عام است، تعیین تمام جزئیات مربوط به اجرای قوانین و تنظیم امور اداری، مجلس را از انجام وظایف مهم تر خود باز می دارد. به همین جهت، در قالب قوانین تنظیم آیین نامه اجرایی به عهده هیأت وزیران یا یکی از وزرا واگذار می شود. صلاحیت قوه مجریه در وضع آیین نامه ها به مواردی نیست که در قوانین مقرر شده است. زیرا اختیارات و تکلیف های این قوه در اجرای قوانین و تنظیم امور اداری ایجاب می کند که بتواند برای حسن انجام تکالیف خود، مقرراتی را که لازم می داند وضع کند.

صلاحیت هیأت وزیران در وضع احکام و نظام نامه های اجرایی عام است: یعنی، در هر جا که قوه مجریه حق انشای مقرراتی را داشته باشد، هیأت وزیران از این حق بهره مند است و می تواند با وضع "تصویب نامه" از آن استفاده کند. این تصویب نامه ها را، اگر حاوی قواعد کلی در زمینه اجرای قوانین باشد، "آیین نامه" نیز می گویند: مانند: آیین نامه اجرای قانون تاسیس شرکت واحد اتوبوس رانی.

هریک از وزیران نیز در حدود وظایف خاص خود، از این حق بهره مند است، با این تفاوت که در صورتی می تواند آیین نامه های اجرای قانونی را امضا کند که این اختیار در آن قانون تصریح شده باشد: مانند آیین نامه قانون وکالت و اجرای اسناد رسمی و امور خلافی و مانند اینها. ولی، در صدور بخشنامه هایی که برای تنظیم امور اداری لازم می بیند در مورد ادارات تابع خود آزاد است.

نکته: از میان آیین نامه های اجرایی، گروهی را که مربوط به تشریفات سازمان ها و طرز کار آنهاست، نظام نامه می گویند: مانند نظام نامه دفاتر اسناد رسمی و نظامنامه قانون ثبت احوال و مانند اینها.

*** فایده تقسیم بندی فوق:**

قانون با درجه اهمیت کمتر نمی تواند مخالف قانون با درجه اهمیت بیشتر باشد. (مثلا: در صورتی که مجلس شورای اسلامی قانونی تصویب کند که مخالف قانون اساسی باشد شورای نگهبان آن را خلاف قانون اساسی تشخیص داده و به مجلس اعاده می کند).

تقسیم بنده قوانین (از حیث امکان توافق برخلاف آن):

۱. قانون آمره: قانونی است که بر اساس نظم عمومی و اخلاق حسنه بوده و نمی توان بر خلاف آن توافق نمود.
مثال: ماده ۱۲ قانون آئین دادرسی مدنی: دعاوی مربوط به اموال غیر منقول اعم از دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است. گرچه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد. (یعنی: اگر در خصوص مالی غیر منقول نظیر خانه، زمین، درخت و امثالهم که قابل نقل و انتقال فیزیکی نیستند دعوایی اقامه شود، این دعا باید در حوزه قضایی دادگاهی مطرح شود که مال غیر منقول در آن واقع است و طرفین نمی توانند بر خلاف آن توافق کرده و دعا را در شهر دیگری طرح نمایند).
۲. قانون تکمیلی: قانونی است که می توان بر خلاف آن توافق نمود.
مثال: ماده ۳۷۵ قانون مدنی: مبیع باید در محلی تسلیم شود که عقد بیع در آن جا واقع شده است مگر اینکه عرف و عادت مقتضی تسلیم در محل دیگر باشد یا در ضمن بیع محل مخصوصی برای تسلیم معین شده باشد. (یعنی: اگر در عقد بیع (خرید و فروش) طرفین مکان تحویل مال فروخته شده را مشخص نکنند و عرف نیز در این خصوص ساکت باشد، مال باید در محل وقوع عقد تسلیم گردد).

*** تعریف عقد (قرارداد):** عملی حقوقی است که با تراضی دو یا چند اراده جهت ایجاد اثر حقوقی تشکیل می شود.

مثال: بیع، اجاره، هبه، وکالت، نکاح و...

*** تعریف ایقاع:** عملی حقوقی است که به واسطه اراده تنها یک شخص جهت ایجاد اثر حقوقی تشکیل می شود.

مثال: فسخ، طلاق، ابراء و...

*** تقسیم بندی عقود:**

۱. عقود عهدی: عقودی هستند که طرفین عقد یا یکی از آن ها متعهد می شود کاری را انجام داده یا از انجام کاری خودداری نماید. مثال: عقد وکالت (در عقد وکالت وکیل متعهد می شود مورد وکالت را انجام دهد) و...
۲. عقود تملیکی: عقودی هستند که در آن مالکیت مالی از یک طرف به طرف دیگر منتقل می شود. مثال: عقد بیع، عقد اجاره و...

*** ارکان عقد:** به مراحل تشکیل عقد گفته می شود به این نحو که پس از تحقق آخرین رکن، عقد تشکیل می شود.

۱. **ایجاب:** نخستین رکن عقد که دربردارنده تمامی شرایط صحت معامله بوده به نحوی که اگر بی قید و شرط قبول شود عقد محقق می گردد.

۲. **قبول:** دومین رکن عقد و به معنای پذیرش بی قید و شرط مفاد ایجاب است اگر قبول مشروط باشد ایجابی جدید است که باید طرف دیگر آن را قبول کند.

مثال: علی به رضا گفت ملک خود را به تو فروختم به مبلغ ۵ میلیارد تومان و رضا گفت قبول کردم.

قبول	ایجاب
مثال: علی به رضا گفت اتومبیل خود را به تو فروختم به مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان و رضا گفت قبول کردم اگر سیستم صوتی را هم ضمیمه آن کنی .	ایجاب اول
ایجاب دوم	

نکته: ایجاب و قبول می توانند صریح یا ضمنی باشند ولی در هر صورت باید ابراز شوند والا اثر حقوقی ندارند؛ مثلا اگر علی به رضا بگوید ملک خود را به تو فروختم و رضا باطنا راضی باشد اما به علی نگوید قبول کردم، قبولی محقق نشده و عقد شکل نگرفته است.

نکته: بین ایجاب و قبول باید فاصله زمانی عرفی (توالی عرفی) رعایت شود و شخص نمی تواند پس از مدت طولانی ادعا کند قبول کردم؛ مثلا: سال ۹۷ علی به رضا می گوید ملک خود را به مبلغ متری ۱۰۰ هزار تومان به تو فروختم، متعاقب آن رضا در سال ۱۴۰۱ بگوید قبول کردم. اینجا چون توالی عرفی رعایت نشده و شرایط ثمن معامله در این سالها تغییر فاحش داشته لذا ایجاب از بین رفته و قبولی رضا اثر ندارد در نتیجه عقد شکل نگرفته است.

۳. **تشریفات:** اصولا عقود با دو رکن ایجاب و قبول تشکیل می شوند اما در برخی عقود رکن سومی تحت عنوان تشریفات وجود دارد.

***تقسیم بندی عقود:**

۱. **عقود رضایی:** عقودی که به صرف ایجاب و قبول محقق می شوند؛ مثال: بیع، اجاره، وکالت و....

۲. **عقود تشریفاتی:** عقودی که تشکیل آن علاوه بر ایجاب و قبول مستلزم رعایت تشریفات خاصی است، اگر تشریفات عقد رعایت نشود عقد محقق نمی شود؛ مثلا عقد بیمه (حتما باید بصورت کتبی باشد) و عقود عینی (قبض در آن شرط صحت است نظیر هبه، وقف و...) .

نکته: ایقاعات نیز مانند عقود می توانند رضایی یا تشریفاتی باشند؛ مثلا طلاق ایقاعی تشریفاتی است (باید به صیغه مخصوص و در حضور ۲ شاهد عادل مرد واقع شود).

*** راه های منحل شدن عقد:**

۱. اقاله (تفاسخ): یعنی طرفین عقد بایکدیگر توافق کرده و باهم عقد را به هم بزنند. اقاله ناشی از اراده طرفین قرارداد بوده در نتیجه خود نیز عقد است.
۲. فسخ: انحلال یک طرفه عقد را فسخ گویند.
- فسخ در عقود لازم، مستلزم داشتن حق فسخ (خیار فسخ) است اما در عقود جایز هر یک از طرفین می تواند هر وقت خواست عقد را فسخ کند.
- فسخ، ایقاع و مستلزم ابراز اراده است (یعنی فسخ باید حتما به طرف مقابل اطلاع داده شود)، بهترین راه ابراز اراده بر فسخ ارسال اظهارنامه رسمی است.

*** تقسیم بندی عقود:**

- عقد لازم: عقدی که از جانب طرفین قابل فسخ نیست مگر موارد مصرح قانونی یا قراردادی (وجود خیار فسخ).
مثال: عقد بیع، عقد اجاره و...
- عقد جایز: از جانب هر یک از طرفین قابل فسخ است. مثال: عقد وکالت و...
- # نکته: راه های غیر قابل فسخ کردن عقد جایز: (عقد جایز را می توان در شرایطی غیر قابل فسخ کرد)
- عقد جایز را ضمن عقد لازم منعقد کنیم؛ مثلا ضمن عقد بیع و به عنوان یکی از شروط فرعی آن عقد وکالت منعقد کنیم، در این حالت تا زمان بقای عقد بیع، عقد وکالت قابل فسخ نیست.
- اسقاط حق فسخ: فسخ یک حق است و حقوق اصولا قابل اسقاط هستند، طبق اصل آزادی قراردادها طرفین می توانند توافق کنند که عقد جایز قابل فسخ نباشد. مثلا در عقد وکالت موکل می تواند حق عزل خود را ساقط کند، همچنین وکیل می تواند حق استعفای خود را ساقط کند.

۳. انفساخ: انجلال قهری، غیر ارادی و خود به خودی عقد را گویند.

مثلا اگر در عقد وکالت، وکیل فوت شود عقد خود به خود و بدون نیاز به ابراز اراده هیچ یک از طرفین عقد منحل می شود. مثلا در عقد بیع به عنوان شرط ضمن عقد قید شود: «در صورت عدم تادیه هریک از چک ها در سررسید قرار داد منحل می شود»؛ به این شرط اصطلاحا شرط فاسخ گفته می شود که در نتیجه آن و در صورت عدم تادیه حتی یکی از چک ها در سررسید، حتی اگر روز بعد از سررسید تادیه شود، قرارداد خودبخود منحل شده و باید قرارداد جدیدی انشا شود.

*** شرایط اساسی صحت معاملات (ماده ۱۹۰ قانون مدنی) :**

۱. قصد و رضای طرفین ۲. موضوع معامله ۳. مشروعیت جهت ۴. اهلیت طرفین

*** انواع وضعیت عقد:**

۱. **عقد صحیح:** عقدی که تمامی شرایط صحت معاملات را دارا می باشد.
۲. **عقد باطل:** عقدی که فاقد تمام یا بخشی از شرایط صحت معاملات است به نحوی که عقد به کلی کان لم یکن شده است.
۳. **عقد غیر نافذ:** به عقدی گفته می شود که رضا در آن مخدوش است، در این حالت عقد باطل نیست و اگر نقص عقد برطرف شود و عقد تنفیذ گردد صحیح شده والا باطل می شود.

۱. قصد و رضای طرفین:

- **قصد:** به تصمیم شخص برای ایجاد عقد گویند، قصد اگر به طرف مقابل بیان و ابراز شود می تواند ایجاد کننده عقد باشد، عقدی که بدون قصد، انشا شود باطل است.
- مثال: معامله اجباری (شخصی به زور شکنجه دیگری را مجبور کند ذیل قراردادی مبنی بر فروش ملکی به دیگری را امضا کند. معامله به علت فقدان قصد باطل است).
- **رضا:** به تمایل قلبی و نیت درونی برای انشای عقد گویند. عقدی که بدون رضا انشا شود غیرنافذ است، در صورت تایید و تنفیذ بعدی صحیح شده و در صورت رد بعدی باطل می شود. (معامله اکراهی: شخصی در اثر تهدید دیگری مبنی بر اینکه «اگر ملکت را به من نفروشی مانع فروش ملکت به دیگری می شوم» ملک خود را به تهدید کننده می فروشد، پس از رفع تهدید شخص می تواند معامله را تنفیذ کرده که عقد صحیح می شود و اگر رد کرد عقد باطل می شود).

نکته: قصد طرفین حتما باید به طرف دیگر ابراز شود والا اثر حقوقی ندارد.

- * **روشهای ابراز قصد:** ۱. صریح: مثل لفظ، نوشتن، اشاره کردن ۲. غیر صریح (ضمنی): یعنی طرف با انجام کاری قصد خود را به طرف دیگر نشان دهد؛ مثلا روزنامه فروشی با گذاشتن روزنامه ها روی پیشخوان دکه اش بصورت ضمنی قصد خود مبنی بر ایجاب فروش روزنامه را انشا کرده و خریدار نیز بدون گفتن کلامی ثمن روزنامه را روی پیشخوان گذاشته و روزنامه را می برد و بدین ترتیب قصد خود مبنی بر قبول را به روزنامه فروش اعلام می کند.
- * سکوت در حقوق علامت رضا نیست. (ماده ۲۴۹ قانون مدنی: سکوت مالک ولو با حضور در مجلس عقد اجازه محسوب نمی شود).

۲. موضوع معامله:

موضوع معامله ۳ حالت دارد: الف) یا مالی است که مورد نقل و انتقال واقع می شود. ب) یا عملی است که شخص متعهد می شود آن عمل را انجام دهد (فعل/ فعل مثبت) ج) یا عملی است که شخص متعهد از انجام آن عمل خودداری

کند) ترک فعل / فعل منفی)

* شرایط موضوع معامله اگر مال باشد:

۱. مال باید مالیت داشته باشد: یعنی در دید طرفین معامله ارزش اقتصادی داشته باشد؛ مثلا یک قطعه عکس قدیمی خانوادگی ممکن است برای شخصی قیمتی باشد و مورد معامله واقع شود.
۲. معلوم باشد: یعنی جنس، وصف و مقدار آن نزد طرفین مشخص باشد؛ مثال: ۱۰۰ کیلو برنج دم سیاه.
اگر مالی بدون اطلاع از شرایط پیش گفته معامله شود، معامله غری و باطل است؛ مثلا اگر مورد معامله اینگونه قید شود: «تعدادی خودکار بیک آبی به تو فروختم جمعا صد هزار تومان و دیگری بگوید قبول کردم.» چون مشخص نیست چه تعداد خودکار فروخته شده، مورد معامله مجهول و عقد باطل است.
۳. معین باشد: یعنی مورد معامله مردد بین دو یا چند چیز نباشد؛ مثلا اگر مورد معامله اینگونه قید شود: «یا این خانه یا آن اتومبیل را به تو فروختم و دیگری بگوید قبول کردم.» چون مشخص نیست دقیقا مورد معامله چیست، عقد باطل است.
۴. قابل نقل و انتقال باشد: خرید و فروش برخی اموال توسط دولت ممنوع است مثلا سلاح، مشروبات الکلی - اموال عمومی - مال موقوفه و...
۵. قابل تسلیم باشد: تسلیم یعنی دادن مورد معامله به تصرف طرف دیگر، تسلیم با توجه به کیفیت مورد معامله متفاوت است، مثلا تسلیم یک آپارتمان با تحویل کلید به طرف دیگر و تحویل یک کتاب با دادن به دست طرف دیگر است.
با توجه به این اگر «گفته شود این انگشتری که در قعر اقیانوس است را به تو فروختم و دیگری بگوید قبول کردم» اینجا به علت اینکه مورد معامله قابل تسلیم نیست، عقد باطل است.

* شرایط موضوع معامله اگر فعل یا ترک فعل باشد:

۱. دارای منفعت عقلایی باشد: یعنی آن کار در دید طرفین عقد دارای ارزش باشد.
۲. معلوم باشد: یعنی طرفین نسبت به موضوع علم کافی داشته باشند. مثلا اگر کسی به دیگری بگوید تو وکیل من در پرونده ای هستی و دیگری بگوید قبول کردم چون دقیقا مشخص نیست کدام پرونده و با چه کیفیتی است عقد باطل است.
۳. معین باشد: یعنی مردد بین دو یا چند چیز نباشد و طرفین بدانند چه کاری مد نظر یکدیگر و موضوع عقد است.
۴. مقدور باشد: کاری که موضوع معامله است حسب مورد قابل انجام دادن یا انجام ندادن باشد؛ مثلا اگر کسی به دیگری بگوید امواتم را برایم زنده کن و دیگری بگوید قبول کردم چون موضوع معامله قابلیت انجام دادن ندارد عقد باطل است.
۵. مشروع باشد: یعنی کاری که قرار است در این معامله انجام شود یا از انجام آن خودداری شود خلاف قانون امری،

نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد؛ مثلا شخصی به دیگری بگوید آقای حسن را بکش و دیگری بگوید قبول کردم ، عقد به علت موضوع نامشروع خود باطل است.

۳. مشروعیت جهت:

جهت علت غایی و هدفی است که شخص را به انجام معامله سوق می دهد و انگیزه شخص از انجام معامله رسیدن به آن است.

مثال: شخصی خانه ای خریداری می کند تا در آن زندگی کند --» جهت معامله در اینجا زندگی کردن در آن خانه است.
مثال: شخصی ۱۰۰ کیلوگرم انگور خریداری می کند جهت تولید شراب --» جهت معامله در اینجا تولید شراب است.
- لازم نیست جهت معامله در قرارداد ذکر شود اما اگر ذکر شد باید مشروع باشد والا معامله باطل است.

۴. اهلیت:

- اهلیت به توانایی شخص برای دارا شدن گفته می شود.
- به اشخاصی که اهلیت انجام معامله ندارند «محجور» و به حالتی که ایشان در آن هستند «حجر» گفته می شود
انواع محجور در حقوق ایران بر سه قسم است:
(الف) صغیر: کسی که به سن بلوغ نرسیده را گویند. (سن بلوغ در پسران ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹ سال تمام قمری است.) به صغیری که توان درک معاملات و ارزش اقتصادی اجناس را دارد صغیر ممیز و به صغیری که درکی از امور اقتصادی و معاملی ندارد صغیر غیر ممیز می گویند.
- معاملات صغیر ممیز:
اگر صرفا نافع باشد(مثلا شخصی مالی را مجانا به او هبه کند) --» صحیح است.
اگر صرفا مضر باشد(مثلا صغیر مالی را مجانا به دیگری هبه کند) --» باطل است.
اگر محتمل بر نفع و ضرر باشد (مثلا صغیر مالی را به دیگری بفروشد و ثمن آن را دریافت کند) --» غیر نافذ است.
- معاملات صغیر غیر ممیز:
کلا باطل است.

(ب) سفیه (غیر رشید): به کسی گفته می شود که عقل معاش ندارد و به علت عدم درک اقتصادی و عدم توان سنجش نفع و ضرر تصرفات او در اموالش عقلانی نیست.

- صحت یا بطلان معاملات سفیه همانند معاملات صغیر ممیز است.

(ج) مجنون: شخصی که قدرت تعقل نداشته و قوای دماغی او به گونه ای است که توان تشخیص نفع و ضرر و حسن و قبح امور را ندارد. احراز جنون با دادگاه و ملاک تشخیص دادگاه در این خصوص عرف است.
- معاملات مجنون کلا باطل است.

عقد بیع :

- بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم (ماده ۳۳۸ قانون مدنی) .
- (یعنی عقدی که در آن مالکیت مالی از فروشنده به خریدار منتقل شده و در مقابل آن مالکیت ثمن نیز از خریدار به فروشنده منتقل می شود. بیع همان خرید و فروش است.)
- **مبیع:** مالی است که فروخته می شود و در عقد بیع محوریت اصلی دارد.
- **ثمن:** مالی است که در مقابل خرید مبیع به فروشنده منتقل می شود.
- **قیمت:** ارزش واقعی مال را گویند که می تواند با ثمن متفاوت باشد -
- **بایع:** فروشنده.

نکته: ممکن است ثمن چیزی جز وجه نقد باشد در این صورت برای تشخیص اینکه کدام یک از عوضین مبیع و کدام یک ثمن است باید به قصد مشترک طرفین رجوع کرد.

نکته: عقد معاوضه به عقدی گفته می شود که دو مال با یکدیگر تبادل می شود بدون آن که یکی از آن دو محوریت داشته باشد. ملاک تشخیص بیع از معاوضه قصد مشترک طرفین است.

(اوصاف عقد بیع:

۱. عقد لازم است: یعنی اصولاً از جانب طرفین قابل فسخ نیست مگر در موارد خاص و وجود خيار فسخ.
۲. عقد رضایی است: یعنی به صرف ایجاب و قبول عقد محقق می شود و انعقاد عقد مستلزم تشریفات خاصی نظیر پرداخت ثمن، تحویل مبیع و... نیست.
۳. عقد تملیکی است: یعنی مقتضی این عقد انتقال مالکیت مبیع و ثمن است.

فرق بیع (مبايعه نامه) با وصیه دو طرفه بیع (قولنامه، پیش قرارداد):

قولنامه یک قرارداد عهدی است که طی آن هر دو طرف متعهد می شوند قرارداد خاصی را در آینده منعقد نمایند. در صورتی که هر یک از طرفین به تعهد خود عمل نکنند طرف دیگر می تواند الزام او را از دادگاه بخواهد اما مبايعه نامه یک قرارداد تملیکی است و طی آن مالکیت ثمن و مبیع منتقل شده و نیاز به اراده و عمل حقوقی دیگری برای انتقال مالکیت ندارد.

توابع مبیع:

قوانین ناظر بر توابع مبیع زمانی مورد استفاده قرار می گیرند که قانون امری وجود نداشته باشد، توافقی صورت نگرفته باشد و عرف محل در خصوصی اینکه کالای مورد اختلاف جزء مبیع است یا خیر ساکت باشد. در این

صورت نوبت به قوانین تکمیلی برای تشخیص توابع مبیع خواهد رسید.

منظور از توابع مبیع آن چیزی است که عرفاً ملحق به مبیع است و باید به مشتری تحویل داده شود.

مثال: آیا هنگام فروش اتومبیل، سیستم صوتی غیر فابریکی ماشین جزء مبیع است یا خیر؟

* برای اینکه بدانیم مال مورد اختلاف جزء مبیع است یا خیر در صورت عدم وجود توافق و قرائن، باید به عرف محل رجوع کرد، چه طرفین معامله به عرف عالم باشند چه جاهل .

* نکته : هرچیزی را که بتوان مستقلاً فروخت می توان از مبیع استثناء کرد (م ۳۶۰ ق م)

مثال: هنگام فروش ملک می توان خط تلفن را مستقلاً فروخت اما آب و برق جداگانه از ملک قابل فروش نیستند.

اسناد تجاری:

اسناد تجاری در حقوق تجارت دو معنای کاربردی دارد:

۱. اسناد تجاری به معنای عام: منظور هر سندی است که در مبادلات تجاری، یعنی مبادلات ناشی از اعمال تجاری به کار می آید، مانند برات ، سفته، قبض انبار، اعتبارات اسنادی ، چک، اوراق سهام، اوراق قرضه، ضمانت نامه بانکی، سپاهه تجارتی، بارنامه و...

۲. اسناد تجاری به معنای خاص: منظور اسناد تجاری جانشین پول است ، که معرف حق دینی حال(دینی که موعد مطالبه آن فرا رسیده) یا با وعده کوتاه مدت می باشند. سه سند چک، سفته، برات از مصادیق بارز اسناد تجاری به معنای خاص است که به دلیل کاربرد بسیار بالای آنها در معاملات تجاری و نقش گسترده ای که در افزایش سرعت مبادلات تجاری ایفا می کنند، واجد نظام حقوقی خاصی هستند.

برات: نوشته‌ای است که از طرف طلبکار برای شخص بدهکار صادر می‌گردد و شخص بدهکار در صورت تأیید آن متعهد می‌شود که وجه برات را در سررسید معین به طلبکار یا شخص معین پرداخت نماید... کسی که برات را صادر می‌کند، برات‌نویس یا مُحیل یا صادرکننده و کسی که برات را باید بپردازد برات‌گیر یا مُحالٌ علیه و کسی که مبلغ برات را دریافت می‌کند، دارنده برات یا مُحالٌ له یا محتال می‌نامند. برات‌گیر می‌تواند پرداخت مبلغ برات را قبول کند یا از پذیرش آن خودداری (نکول) کند.

شماره خزانه داریکل	سردسید	جای پرداخت	شماره
۰۱۴۹۳۱ (الف/۲۲)			

مبلغ به عدد: تاریخ صدور: (تاریخ صدور و سررسید: روز - ماه - سال یا تمام حروف نوشته شود)

خواهشمند است در تاریخ: در مقابل این برات که نشانی به حواله کرد: مبلغ: (مبلغ یا تمام حروف نوشته شود) ریال پرداخت

نام برات دهنده: نام برات گیر: محل اخاعت: محل پرداخت: امضاء برات دهنده: امضاء برات گیرنده:

تاریخ: امضاء: تاریخ: امضاء:

تأیید هیئت مدیره و مهر و امضاء مدیر عامل: تاریخ: امضاء:

نمونه برات

سفته: سَفْتِه یا فَتِه طلب سندی تجاری است که بر اساس آن شخصی (صادرکننده سفته) تعهد می کند مبلغ معینی را در زمان معین یا عندالمطالبه به دیگری (گیرنده سفته) بپردازد. سفته به علت خطرات نقل و انتقال پول و توسعه تجارت بین الملل بین بازرگانان رواج یافت. امروزه از سفته به عنوان یک وسیله اعتباری در سرمایه گذاری های کوتاه مدت در واحدهای تولیدی، صنعتی، تجارتی و خدماتی استفاده می شود.

شماره	تاریخ پرداخت	شماره خزانه داریکل
۰۳۰۰۲۰۱	۰۳۰۰۲۰۱	۰۳۰۰۲۰۱

مبلغ به عدد: تاریخ صدور (برگشت): در مقابل این سفته: به حواله کرد: مبلغ (برگشت): نام دهنده: نام گیرنده: محل اخاعت: محل پرداخت: امضاء دهنده: امضاء گیرنده:

تاریخ: امضاء: تاریخ: امضاء:

تأیید هیئت مدیره و مهر و امضاء مدیر عامل: تاریخ: امضاء:

نمونه سفته

چک: چک یک ورقه ی با ارزش مالی است که معمولاً برای خرید در حال و پرداخت مبلغ در آینده استفاده می گردد. صاحب چک پس از نوشتن مبلغ ارزش چک و تاریخ موردنظر برای وصول، چک را امضا می کند. در تاریخ ذکر شده - تاریخ سررسید - فردی که چک را دریافت نموده است به بانک مراجعه می کند و مقدار وجه مشخص شده را از حساب جاری فرد صادرکننده چک دریافت می نماید. به نوعی چک یک قول پولی است که به گیرنده از سوی فرستنده ، تضمین میشود که در تاریخی مشخص میتواند از صادر کننده چک مقدار مشخصی پول دریافت کند. چک سند در حکم قانون لازم الاجرا است و از اسناد بازرگانی که به موجب آن، صادرکننده چک، پولی را که نزد دیگری دارد تمام یا بخشی را به سود خود یا ثالث مسترد می دارد. چک سند عادی تجاری در برخی موارد با رعایت اصول موجود قابل صدور اجرائیه می باشد.



نمونه چک صیادی (چک جدید)

(وصاف اسناد تجاری):

۱. در شمار اسناد عادی اند یعنی اسنادی که توسط مقامات ذی صلاح قانونی تنظیم نمی شوند بلکه هر شخص می تواند اقدام به صدور اسناد تجاری نمایند.
- * نکته/ تعریف سند: عبارت است از نوشته ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. (م ۱۲۸۴ ق.م.)
- * نکته/ تعریف سند رسمی: به اسنادی که توسط مقام رسمی ذی صلاح و در حدود مسئولیتشان تنظیم شود سند رسمی گفته می شود؛ مثلاً سند مالکیت صادره توسط اداره ثبت اسناد و املاک چون توسط مقام ذی صلاح قانونی تنظیم شده سند رسمی.
- * نکته/ تعریف سند عادی: سندی که رسمی نباشد یعنی هر یک از دو خصیصه تنظیم توسط مقام قانونی و تنظیم بر اساس حدود صلاحیت مقام تنظیم کننده را نداشته باشد سند عادی است؛ مثلاً سند مبیعه نامه تنظیم شده در دفاتر مشاور املاک چون توسط مقام ذی صلاح قانونی تنظیم نشده سند عادی است.
- * نکته/ اسناد رسمی مزایایی نسبت به اسناد عادی دارند برای مطالعه امتیازات اسناد رسمی نسبت به اسناد عادی می توانید به کتابهای آئین دادرسی مدنی و ادله اثبات دعاوی مدنی مراجعه نمایید.
۲. این اسناد قابل معامله و نقل و انتقال می باشند.
۳. صدور آنها ویژه تجار نیست بلکه افراد غیر تاجر نیز می توانند آنها را صادر نمایند.
۴. معرف مبلغی پول هستند.
۵. معرف تعهدی حال (بی وعده) یا با سررسید کوتاه اند.
۶. به دلیل اعتماد مردم به آنها در معاملات تجاری قانون گذار مقررات نسبتاً مفصلی برای آنها مقرر داشته است.
۷. به دلیل اهمیت این اسناد در نقل و انتقالات مالی، بخشی از خواص پول به این اسناد سرایت کرده است، مانند اینکه عدم صحت نقل و انتقالات پیشین سند تجاری در حقوق دارنده فعلی آن تاثیری ندارد.
۸. قانون گذار مزایای متعددی برای آنها در نظر گرفته است، نظیر صدور قرار تامین خواسته بدون نیاز به تودیع خسارت احتمالی.

مزایای مشترک اسناد تجاری:

۱. اصل مسئولیت تضامنی: در حقوق ایران در مواردی که چند نفر نسبت به یک دین مسئول پرداخت باشند، اصل بر مسئولیت مشترک است، نه مسئولیت تضامنی. اما در اسناد تجاری تمامی مسئولین سند از صادرکننده و ظهرنویس (پشت نویس) در برابر دارنده سند، مسئولیت تضامنی دارند و در عرض یکدیگرند. بدین نحو که دارنده سند می تواند در صورت تادیه نشدن وجه سند در موعد مقرر و از سوی شخصی که باید تادیه می کرده است، به هریک از آنها که بخواهد یا عده ای از آنها یا تمام آنان رجوع کند و تمام یا بخشی از طلب خود را از هر یک از آنان وصول نماید، به عبارت دیگر رابطه مسئولین اسناد تجاری عرضی است و ذمه هریک از ایشان ضمیمه ذمه سایرین می گردد.

* تفاوت مسئولیت نسبی و مسئولیت تضامنی:

۱. در مسئولیت نسبی: هر یک از متعهدین، مسئول پرداخت بخشی از دین است و علی الاصول دین به طور مساوی بین آنان تقسیم می شود؛ برای مثال اگر ۳ نفر نسبت به دینی به مبلغ ۳۰۰ هزار تومان مسئولیت مشترک داشته باشند، طلبکار می تواند از هریک از آنان تا ۱۰۰ هزار تومان دریافت کند.

۲. در مسئولیت تضامنی: هر یک از متعهدین در برابر طلبکار، مسئول پرداخت تمام دین است؛ به عبارت دیگر، طلبکار می تواند به هر یک از آنان رجوع کند و تمام یا بخشی از طلب خود را از او دریافت کند. برای مثال اگر ۳ نفر نسبت به دینی به مبلغ ۳۰۰ هزار تومان مسئولیت تضامنی داشته باشند، طلبکار می تواند مبلغ ۳۰۰ هزار تومان را از هر یک از آنها که بخواهد، دریافت کند یا به انتخاب خود، بخشی از آن را از یکی و بخش دیگر مبلغ را از شخص دیگر دریافت کند.

۲. اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات:

تعهدی که سند تجاری برای ایفای آن تعهد صادر یا ظهرنویسی (پشت نویسی) می شود، تعهد پایه نام دارد؛ مانند ثمن معامله ای که برای پرداخت آن چک صادر می شود. پس از صدور سند تجاری، تعهد جدیدی بر عهده صادر کننده و سایر متعهدین قرار می گیرد که اصطلاحاً آن را تعهد براتی گویند. ایرادات مربوط به تعهد پایه اصولاً در برابر دارندگان غیرمستقیم سند تجاری قابل استناد نیست.

به عبارت دیگر امضا کنندگان اسناد تجاری نمی توانند در برابر دارنده با حسن نیت سند تجاری به روابط شخصی و خصوصی خود با صادرکننده یا ظهرنویسان یا دیگر متعهدان سند استناد کنند؛ به عبارت دیگر، مطابق این اصل، ایراداتی که جنبه شخصی و خصوصی دارند در برابر دارنده با واسطه سند تجاری که دارای حسن نیت نیز می باشد قابل استناد نیست.

برای مثال اگر چکی به منظور تادیه ثمن معامله صادر شود و سپس به واسطه ظهرنویسی به دیگری منتقل شود، اگر معامله اصلی فسخ شود، صادرکننده برات نمی تواند به فسخ معامله استناد کند و خود را از بار مسئولیت پرداخت وجه چک برهاند. استناد به فسخ معامله نمونه ای از ایراداتی است که در برابر دارنده با حسن نیت قابل استناد نیست.

همانطور که پیشتر بیان شد این اصل دو استثنا دارد:

اول، دارنده بلا فصل باشد. (یعنی دست اول باشد و چک را مستقیماً از صادرکننده گرفته باشد و چک به واسطه ظهرنویسی به او منتقل نشده باشد.)

دوم، دارنده هنگام اخذ سند تجاری سوء نیت داشته باشد (یعنی از ایراد تعهد پایه آگاه باشد. مثلاً بداند که چک بابت پرداخت ثمن معامله ای صادر شده که آن قرارداد به واسطه مال غیر بودن مورد معامله باطل بوده است.)

۳. صدور قرار تامین خواسته بدون ایداع خسارت احتمالی:

تامین خواسته یکی از نهادهای دادرسی است و بعنوان یک اقدام احتیاطی برای در امنیت قراردادن خواسته خواهان صورت می گیرد. اگر کسی بدهکار باشد یا احساس کند که در آینده ممکن است محکوم شود اموالش را از دسترس دادگاه و قانون خارج می کند اشخاص برای اینکه اموالشان در اختیار دادگاه قرار نگیرد آنها را به نام دیگری انتقال می دهند. برای مثال به نام همسر، فرزند و یا هر کس دیگر. و این قضیه باعث می شود بروز اشکالاتی در رسیدن محکوم له به حق می شود و اجرای حکم گاهی غیر ممکن می شود. زیرا برای اجرای برخی احکام دسترسی به اموال محکوم علیه ضروری است به همین دلیل قانون نهادی را پیش بینی کرده تحت عنوان (تامین خواسته) (تامین یعنی در امنیت قرار دادن) این نهاد به طلبکاران اجازه داده قبل از اقامه دعوا، همزمان با اقامه ی دعوا، بعد از اقامه دعوا تا صدور حکم قطعی تقاضای تامین خواسته کنند که معادل طلب خویش، از اموال خوانده توقیف شود. اگر حال، منقول بود، یک جا نگهداری می شود و اگر غیر منقول باشد به اداره ثبت دستور می دهد که این ملک با این مشخصات، غیر قابل انتقال است. اگر خودرو باشد به راهنمایی رانندگی می گویند که این ماشین با این پلاک، غیر قابل انتقال است. تا حکم قطعی صادر شود. اگر حکم به نفع خواهان صادر شد، اموال توقیف شده، فروخته می شود و طلب خواهان پرداخته می شود.

اما اگر حکم به نفع خواهان صادر نشد دو سال طول بکشد تا حکم صادر شود و در نهایت خوانده برنده شود در این دو سال، خوانده ضرر کرده چون اموالش توقیف بوده و نتوانسته از آنها بهره ای ببرد. در این حالت برای جبران ضرر خوانده چه کار باید کرد؟ قانون گذار گفته اگر متقاضی تامین خواسته هستید می بایست خسارت احتمالی خوانده را باید تودیع کنید میزان این، ۱۰ الی ۱۵ درصد اموال توقیف شده می باشد که اگر در نهایت حکم به نفع خواهان صادر نشد و باعث ضرر خوانده شد، این ضرر خوانده از این مبلغ به او پرداخته می شود و در صورتی که خواهان برنده دعوی شود مبلغ مذکور به او رد می شود.

قانونگذار در مواد ۱۰۸ و ۱۱۰ ق.آ.د.م و ماده ۲۹۲ ق.ت. بیان کرده که اگر دعوا مستند به سند تجاری باشد، برای صدور تامین خواسته، نیاز به پرداخت خسارت احتمالی نیست. و نیازی نیست که درصدی از طلب بعنوان خسارت احتمالی تودیع شود.

۴. وصف تنجیزی اسناد تجاری:

اعمال حقوقی که بر روی سند تجاری انجام می شود (نظیر صدور، ظهرنویسی، ضمانت) باید منجر یعنی غیر مشروط باشند.

۵. اصل استقلال امضاها:

بنا بر این اصل، در یک سند تجاری، هر امضا مستقل از سایر امضاها منبع ایجاد تعهد است؛ به عبارت دیگر، اگر تعهد یکی از متعهدین سند تجاری به دلیلی باطل باشد، تعهد متعهدین پس از او باطل نمی شود. برای مثال اگر مجنونی از دیگری مالی می خرد و برای پرداخت ثمن چکی در وجه فروشنده صادر می کند، صدور سند تجاری یک عقد و این عقد به واسطه فقدان اهلیت باطل است. اما اگر این چک به واسطه ظهرنویسی به دیگری منتقل شد، ظهرنویس نمی تواند به جنون صادرکننده استناد کرده و چک را پرداخت نکند چون مطابق این اصل هر متعهد در اسناد تجاری نسبت به امضای خود مسئول است.

۶. اصل دلالت بر مدیونیت:

مطابق این اصل در اسناد تجاری اصل بر مدیونیت امضاکننده سند است، یعنی اگر کسی سندی تجاری را به واسطه صدور یا ظهرنویسی به دیگری بدهد اصل بر این است که مدیون آن شخص بوده.

خسارت تأخیر تادیه وجه نقد:

تعریف: خسارتی که از تأخیر در تادیه (پرداخت) دین حاصل می شود.

شرایط مطالبه خسارت تأخیر تادیه وجه نقد:

۱. موضوع تعهد وجه رایج (داخلی یا خارجی) باشد. منظور از وجه رایج پولی است که مورد معامله قرار می گیرد، لذا تأخیر در پرداخت سکه ها یا اسکناس های قدیمی (مثلا اسکناس دوره پهلوی) یا کالا مشمول این بحث نیست.
۲. طلبکار پرداخت را مطالبه کرده باشد. مبدا مطالبه خسارت از تاریخ مطالبه طلبکار است، لازم نیست مطالبه حتما رسمی و بواسطه اظهار نامه باشد بلکه می تواند با پیامک، تلفن یا هر نحو دیگر باشد که باید در این صورت برای استحقاق مطالبه خسارت، بدوا مطالبه اثبات گردد.
۳. تمکن مدیون. مدیون باید توان پرداخت دین را داشته باشد، اگر به تشخیص دادگاه مدیون ورشکسته یا معسر باشد از تاریخ ورشکستگی یا اعسار الزامی به پرداخت خسارت تأخیر تادیه ندارد.
۴. تغییر فاحش شاخص تورم بانک مرکزی.

وجه التزام:

مبلغ مقطوعی است که طرفین در قرارداد برای تخلف از تعهد تعیین می کنند. مثلا در قرارداد مقرر شود در صورت عدم پرداخت ثمن معامله در تاریخ معهود، خریدار مکلف است روزانه ۲ میلیون تومان به عنوان خسارت تأخیر تادیه به فروشنده پرداخت نماید. چون وجه التزام جنبه قراردادی و توافق دارد دیگر جایی برای مطالبه خسارت تأخیر بر اساس قواعد غیرقراردادی (آنچه پیشتر شرایط آن بیان شد) باقی نمی ماند و توافق جایگاه بالاتری نسبت به قانون تکمیلی

دارد و باید بر اساس آنچه توافق شده خسارت دریافت گردد.

نکته: مبدا خسارت تاخیر در تعهدات پولی:

در برات ، سفته و سایر تعهدات پولی: از تاریخ مطالبه

در چک: از تاریخ سررسید چک

مزایای چک:

۱. رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی ، بصورت فوری و خارج از نوبت انجام می شود. (ماده ۱۹ قانون صدور چک)
۲. چک در حکم سند لازم الاجراست و می توان برای وصول آن از طریق اداره ثبت نیز اقدام کرد. (ماده ۲ قانون صدور چک)
۳. صدور چک پرداخت نشدنی جز در استثنائاتی قابل تعقیب کیفری است و می توان به وسیله طرح شکایت کیفری ، ضمن مجازات صادرکننده، مبلغ چک را با تشریفات کمتر و سریع تر وصول کرد. (ماده ۷ قانون صدور چک)
۴. در صورت صدور چک به نمایندگی (فرضا مدیر شرکت برای شرکت چک صادر کند) نماینده و اصیل، هر دو نسبت به وجه چک مسئولیت تضامنی دارند.

راه های وصول وجه چک:

۱. **اقامه دعوای حقوقی:** به موجب تقدیم دادخواست به دادگاه حقوقی می توان وجه چک را از صادرکننده و ظهرنویسان بصورت تضامنی مطالبه کرد.
در این حالت مطالبه خسارت تاخیرتادیه از صادرکننده (یا نماینده او یا هردو متضامنا) مجاز است.
۲. **صدور اجرائیه از اداره ثبت اسناد:** از این طریق فقط می توان وجه چک را از صادرکننده (یا نماینده او یا هردو متضامنا) مطالبه کرد.
خسارت تاخیر تادیه از اداره ثبت قابل مطالبه نیست و چک تنها نسبت به اصل مبلغ خود در حکم سند لازم الاجراست.
۳. **طرح دعوای کیفری:** می توان در صورت صدور چک بلامحل از صادرکننده شکایت کیفری کرد. اگر چک به نمایندگی صادرشده بود می توان تنها از نماینده شکایت کیفری کرد مگر آنکه نماینده ثابت کند عدم پرداخت مستند به فعل صاحب حساب یا شخص ثالثی بوده.
صرف شکایت کیفری برای دریافت وجه چک کافی نیست و باید دادخواست مجزا نیز مطابق تشریفات آئین دادرسی مدنی در خلال آن تقدیم شود
۴. **تقاضای صدور اجرائیه از دادگاه:** در چک های صیادی (چک های جدید) می توان بدون نیاز به رسیدگی تقاضای صدور اجرائیه علیه صادرکننده نمود.

17

۴. ارجاع به شعبه ← ۵. مدیر دفتر شعبه مرجوع الیه دادخواست را از حیث ناقص یا کامل بودن بررسی می کند، اگر ناقص بود اخطار رفع نقص صادر می کند و اگر ناقص نبود به نظر قاضی می رسد ← ۶. تعیین وقت توسط قاضی

لایحه: متنی که اصحاب دعوا در دفاع از خود به دادگاه تقدیم می کنند.

اظهارنامه: شیوه رسمی مطالبه حق.

رای: اعم است از حکم یا قرار و از تصمیمات قاضی است.

حکم: یکی از تصمیمات قضایی است که هم در ماهیت دعواست و هم قاطع دعواست.

قرار: یکی از تصمیمات قضایی است که یا در ماهیت دعوا نیست یا قاطع دعوا نیست یا هردو شرط حکم را نداشته باشد.

*** نحوه آزمون پایان ترم:

- سوالات تستی : ۷ نمره

- سوالات تشریحی و تحلیلی : ۱۰ نمره

- حضور و فعالیت کلاسی: ۳ نمره

- ارائه کنفرانس: ۵+ نمره

موفق باشید.